

مرحبا!

قوت نیرو

۵ ثور ۱۳۹۱

محترم علیشاه صبار!

توضیحات، تحلیل و پاسخگویی شما بموضوعات، بعد از مرور (تصویرشوراء تفاهم... در حال غروب!) موجودیت پیوند های روحی را باثبات رساند که چگونه شما بتوضیح و تحلیل مسایلی پرداختید که در ذهن ما جریان داشتند ومنتظر تبصره و پاسخگویی بر آنها بودیم؟

صبار صاحب!

بدون تردید در میان تحصیلکرده های شغنان، شخصیت ها و صاحب نظران قابل حسابی وجود دارند که اگر در موردی وارد محرکه و میدان گردند، پیشقراول و برنده میدان خواهند شد، ولی بنابر علل نامعلوم تعداد کثیر ایشان در برابر موضوعات مهم که بحیات و سرنوشت مردم شغنان ارتباط میگیرد، سکوت اختیار نموده و اگر طرحی و نظری هم داشته اند و دارند با دیگران در میان نگذاشته اند، مثال بارز آن: موضع گیری در برابر شوراء تفاهم... شغنانیان است که به استثناء چند تحصیلکرده ای محدود، اکثریت در موقف تماشاگر قرار گرفته و نظاره گر میدان شده اند و من که مانند تعداد دیگری از دوستان اقدام نیک آغاز گران این حرکت را تقدیر و پشتبانی نموده، منتظر پیشرفت های بعدی آن بودیم، اما فراموشی و حتی قسماً حرکات مایوس کننده تشویش تعداد از دوستان را برانگیخت، لابد برآن شدیم تا بار دیگر موضوع را بیاد دوستان باندازیم، بناً با در نظر داشت پیوند ها که شما خود به آن اشاره نمودید و ارادت خاصی که وجود دارد، شما را ناگزیر وارد محرکه نمودیم تا باشد که محرک مرحله ای دیگری این گفتمان گردید. پاسخ مثبت شما باین تقاضا، نه تنها مایه خوشی ما گردید، بلکه یقیناً ما یعنی اکثریت از خوانندگان (جوابیه ای) شما در (سیمای شغنان)، از خوب نویسی، سلیس و صریح نویسی و راست نویسی شما لذت بردیم و اکثریت ما برآن متیقن شدیم: که اگر راستگویی و حقیقت نویسی! سبب رنجش، افتراق و انفصال دوستان گردد، بهتر از آن اتفاق و اتصال است که ببهای، سکوت، اغماض و چشم پوشی از گفتن حقیقت دوام و حفظ گردد.

نتیجه گیری شما از ابراز نظرها، طرح ها و مباحثات در مورد الفبای زبان شغنائی، کاملاً دقیق و بجاست. یعنی اگر ما بنتیجه مطلوب که آوردن تغییر و تکمیل ساختن الفباء بر اساس نظر اکثریت صاحب نظران، یا پذیرش نقص و کمبود در الفبای موجوده قبول شده وزارت معارف از جانب مسولین شعبه زبان های پامیری و آمادگی آنها برای رفع نواقص و تکمیل آن در فرصت های مناسب نرسیدیم، بنتایج دیگری دست یافتیم:

1. بگفته شما جمع آوری داشته ها و نظریات خوب با تحقیقات علمی و مسلکی در مورد زبان شغنائی.

2. امید واری ب موجودیت استعداد های خوابیده در میان تحصیل کرده ها و
3. نظر اکثریت صاحب نظران و صلاحیت داران عرصه زبان، مبنی بر اینکه: الفبای موجوده، قبول شده وزارت معارف دارای نواقص و کمبودی های جدی بوده، در فرصت مناسب باید تکمیل گردد. بنا هرگونه تعمیر (املای زبان شغنائی، دستور و گرامر، لغت نامه و غیره) که بر بنیاد این تهداب کج بنا شده، اعمار گردد تا ثریبا کج خواهد بود. عکس العمل های مثبت یا سکوت بمعنای قبول را در پی نخواهد داشت. اما موضوع اصلی و اساسی که در تصویر نشان داده شده و پاسخ شما نیز در مورد آن بیشتر تماس گرفته است همانا: ایجاد یک تفاهم عمومی و سرتا سری بهتر و بیشتر در بین شغنائیان است.

همه ای ما برین باورمندیم که: تا زمانیکه یک تفاهم کلی، عمومی و نسبتاً سرتا سری بهتر و بیشتر میان شغنائیان ایجاد نشود! مبارزه موثر در مورد تریاک و دیگر مواد مخدره براه نخواهد افتید. ارمان داشتن نماینده در پارلمان و سایر مراجع برآورده نخواهد شد. کمک های موسسات دولتی و غیر دولتی، در شغنان جلب نخواهد گردید. به مریض، به شاگرد،... و غیره و غیره خدمات مفید و موثر و دایمی ب مردم شغنان انجام داده نخواهد شد. ایراد شما و دیگر خوانندگان محترم را از قبل میدانم و میپذیرم که شاید بگویید: این مطالب را بیشتر از من و بهتر از من درک و احساس نموده اید و شاید گام های عملی را در جهت تحقق آنها برداشته باشید ولی من با عرض معذرت ناگزیر بذکر آن گردیدم تا بعد از تکرار آن پنداشت خویش را در مورد شورا تفاهم... بیان نمایم.

قبول دارم، پروسه ای ایجاد تفاهم و همبستگی بهتر و بیشتر، زمان، فداکاری، گذشت (گذشت از وقت، گذشت از پول، گذشت از سایر امتیازات)، صداقت، پشتکاری و سرمایه پولی و غیره امکانات را می طلبد. آیا از کاروان کنار برویم یا اینکه هرکدام ما حد اقل بادر نظر داشت امکانات و صلاحیت های فکری ادامه دهنده این جبهه یا حرکت

باشیم؟ مشکلات و موانع مختلف در راه اند. وقتیکه از یکتعداد دوستان که میتوانند درین مورد و موارد دیگر نقش موثر بازی نمایند طالب کمک میشوی ، استدلال میکنند که موجودیت اختلافات، برخورد ها، پراگندگی ها و غیره پدیده های منفی در جوامع، امر طبیعی و اجتناب ناپذیر اند. یعنی آنها باید قبول و تحمل کرد و خلاف آن نباید گام بر داشت. چقدر پاسخ مایوس کننده است؟ در حالیکه اقوام و جوامع وجود دارند که با اثر تلاش شان بر اختلافات غلبه حاصل نمودند و باتحاد کامل رسیدند. اگر چنین کاری ما انجام ندهیم پس وظیفه ای ما چه شد و این لست طویل و ار قام درشت از روشنفکران و تحصیلکرده های شغنان بچه درد خواهد خورد؟

گمانه زنی ها از موجودیت هدف، مقصد، خودتبارزدهی، خود مطرح سازی و غیره، در مورد مطرح کنندگان شوراء... موضوع دیگری است که دوستان را مایوس ساخته و شک و تردید های را بر انگیزته است، طوریکه خود شما نیز اظهار تشویش نموده اید. اجازه بفرمایید موضوع را از دید دیگری مطرح نماییم : من بدین باورم که هرگونه عمل و حرکت و فعالیت که بشکلی تصادفی صورت نگیرد و همواره تکرار گردد، هدف و مقصد در قبال دارد. مگر در مورد هدف از خلقت بشر از جانب خداوند متعال، شما ، بما و دیگران نگفته بودید که: خداوند(ج) انسان را بمقصد آن خلق کرد تا او را بشناسیم و پرستش نماییم و هم مقصد و هدف از عبادت و اطاعت و پرستش خداوند(ج) رسیدن بجنّت و دوری از عذاب دوزخ است. پس ممکن است مطرح کنندگان شوراء تفاهم... مقصد و هدفی، یا مرض خود بزرگ بینی نیز داشته باشند، باید که در جریان کار و فعالیت تصحیح شوند. ولی بخاطر رسیدن بهمان مرام عالی که ایجاد تفاهم... باشد چه اشکالی دارد و لوبرای چند صباح هم باشد آنها را با خود نداشته باشیم تا بعداً کاروان، مسیر واقعی و پیشقراولان حقیقی خورا در یابد؟

با وجود این همه مشکلات و موانع و سوء تفاهمات من باین کاروان با یک دید خوشبینانه مینگریم. بعد از همایش نشست تعدادی از روشنفکران و شخصیت ها در شغنان، ارسال پیام های تأییدی و پشتیبانی از جانب تعداد از دوستان، نشست ها و جروح بحث ها در کابل و خارج از افغانستان، روحیه اتحاد و تفاهم را بیشتر از پیش تقویه نمود:

1. روحیه تفاهم جوینانه در شغنان.
2. ایجاد کاروان ابریشم در اروپا.
3. خود داری از تقابل و توقف نشر حوادث سه دهه ای در شغنان و توقف تمام فعالیت نشراتی (نشریه انتر نیتهی شغنان در سه دهه اخیر) بخاطر هموار شدن هرچه بیشتر میدان تفاهم و غیره مثال ها ، پیامد های خوب این حرکت اند.

میخواهم بایک توضیح مختصر از موضعگیری دوستان در قبال این شورا بتاسی از تصویر: شورا تفاهم یا اتحاد در حال غروب! و نتیجگیری از نوشته هذا که به احترام پاسخ دهی شما نوشته شده است اختتام بخشم.

در تصویر ... بصورت صریح و روشن دوستان بسه گروپ تقسیم گردیده اند:

1. کسانی که از کاروان استقبال و پشتیبانی کرده ،انتقادات، طرحها و نظریات بخاطر بهتر شدن حرکت این کاروان پیشکش نموده اند.

2. کسانی که باشکال مختلف در مقابل کاروان بدون کدام نظر و طرح موضع گرفته اند.

3. گروپ سوم که تعداد وسیع دوستان را دربر میگیرد، فقط تماشاگران بوده و صرف نظاره گرمیدان اند که چه اتفاق میافتد. شاید این گروپ اعتماد و باور ندارند، یا از حرکات و تجارب گذشته نتایج منفی دریافت داشته اند و شاید های دیگر. باین گروپ وسیع از دوستان و گروپ اول چنین پیشنهاد مینمایم که چرا بقدرت و توان خود اعتماد و باور ندارید؟ حکایت های از شغنان میرسانند که تعدادخیلی ها معدود از تحصیلکرده های شغنان نماینده گروپ و یا تنظیم شده اند که در شغنان، انگیزه ای برای پذیرش وزمینه و میدانی برای رشد ندارند، با آنها شاید امیدوار برای نیرومند شدن و پیروز شدن داشته باشند. ولی چرا ما که یک لشکر عظیم هستیم این فرصت را ضایع سازیم و چرا یک جبهه وسیع بوجود نیآوریم. این بزرگترین آزمایش وجدیترین امید از تحصیلکرده هاست. با تأمین ارتباط و با جستجوی همفکران و همقطاران در گوشه و کنار این جبهه را نیرومند بسازیم تا دستآورد خوبی بسل های آینده میراث بگذاریم.